

## زن در نگاه محمد!

### نادره افشاري

از ديگر اسناد مستند و معتبر اسلامي، نهج الفصاحه (۱) است که کتابي است در رديف نهج البلاغه علي ابن ابيطالب و «مجموعه‌ي کلمات قصار، خطبه‌ها و تمثيلات حضرت رسول اکرم» را در برمي‌گيرد. جمع آوري و ترجمه‌ي اين کتاب را شادروان ابوالقاسم پاينده به عهده داشته است. پاينده (۱۲۷۸ - ۱۳۶۳) متولد نجف‌آباد اصفهان است. مقدمات عربي و علوم مذهبي و فلسفه را در اصفهان فراگرفت و در همين دوران با زبان فرانسه نيز آشنا شد. پاينده در سال ۱۳۱۲ خورشيدي به تهران آمد و در سازمان‌هاي مختلف از جمله فرهنگستان ايران به کار پرداخت. چندي هم نماينده‌ي مجلس شوراي ملي و مدتي هم رئيس اداره‌ي راديو و تبليغات بود. در سال ۱۳۲۱ نامه‌ي هفتگي صبا را بنياد گذاشت که تا سال ۱۳۳۰ انتشار مي‌يافت. پاينده در سال ۱۳۴۴ به نمايندگي ايران در کنفرانس اسلامي مکه شرکت کرد. ترجمه‌ي قرآن مجيد، زندگاني محمد، نهج الفصاحه، تاريخ سياسي اسلام، تاريخ عرب، تمدن اسلام، التنبيه و الاشراف، مروج الذهب، علي ابر مرد تاريخ، تاريخ طبري و از جمله کارها و ترجمه‌هاي اوست. براي اين بخش از کتاب، از ترجمه‌ي نهج الفصاحه‌ي اين مترجم و نويسنده‌ي پرکار اسلامي استفاده کرده‌ام. ويژگي اين کتاب در اين است که تمام گفته‌هاي محمد را در دو زبان عربي و فارسي در برابر هم چاپ کرده است، و آثاني که کمی هم به زبان عربي آشنا باشند، مي‌توانند درستي ترجمه‌ها را خود به چشم ببينند. (۲)

نهج الفصاحه شامل ۳۲۲۷ جمله‌ي کوتاه يا تقريباً کوتاه است که پاينده از آن‌ها به عنوان کلمات قصار نام برده است. در ادامه‌ي کتاب، بخشي به خطبه‌هاي محمد و بخشي هم به تمثيلات او اختصاص داده شده است. در مجموع ۳۲۲۷ کلمه‌ي قصار ۱۵۷ بار از زنان صحبت شده است که عموماً بر روي اين محورهاي تنظيم شده است: اسارت زنان در خانه‌ي مردان، مکر و شيطنت عموم زنان، لزوم پرهيز از زنان بد و خوب، و جوب اطاعت زنان از مردان؛ حتا اگر اين مردان ستمگر باشند، و در نهايت سجده در مقابل مردان، اگر خدائي نمي‌بود، يا اين‌گونه که هست نمي‌بود.

زنان اساساً از اهالي دوزخ هستند و بيشتريين ساکنان جهنم را تشکيل مي‌دهند. به اعتقاد پيامبر اگر جهاني بدون زنان ساخته مي‌شد، مردان آسان‌تر مي‌توانستند به بهشت بروند. اين نمونه‌ها، استنتاج من از کلام خود محمد است. اکنون مي‌پردازم به بررسي کوتاه‌ي در اين کتاب و نگاهی به دیدگاه محمد در مورد جماعت زنان! (۳)

اولين نقل قول‌ها در رابطه با «نقش طبيعي» زنان در خانه‌ي «مردان» است و اين‌که زنان در اين خانه‌ها اسير و زنداني هستند و بر مردان است که کمی هم به اين اسرا «توجه» کنند: «در باره‌ي زنان از خدا بترسيد که آن‌ها پيش شما اسيرند.» (ش ۴۵، ص ۱۶۳)

پرهيز از زنان در دیدگاه محمد جايگاه ويژه‌اي دارد: «از دنيا بترسيد و از زنان بپرهيزيد؛ زيرا شيطان، نگران و در کمين است و هيچ‌يك از دام‌هاي وي [شيطان] براي پرهيزگاران مانند زنان مورد اطمينان نيست» (ش ۵۰، ص ۱۶۴)

محکم‌ترين سلاح شيطان هم زنان هستند. (ش ۹۷۰، ص ۳۵۰) به همين دليل و هزارها دليل ديگر مبني بر مکر زنان، اي مردان مسلمان، بر شما واجب است که: «از بي لباسي براي نگاه داري زنان [در خانه] کمک جويند؛ زيرا زن وقتي لباس فراوان و زينت کامل دارد، ماييل به بيرون رفتن است.» (ش ۲۸۲، ص ۲۰۹) با زنان هم اساساً نبايد گفت‌وگو کرد؛ چرا که هرگاه مردی با زني خلوت کند، حتماً قصد او مي‌کند. (ش ۱۰۰۴، ص ۳۵۶)

تاکيدهاي ديگري هم بر عريان نگاه داشتن زنان شده است. «اعرو والنساء يلز من الحجال. زنان را بي لباس بگذاريد تا در خانه‌ها بمانند.» (ش ۳۴۳، ص ۲۲۰)

هر زني که بدون اجازه‌ي شوهرش از خانه بيرون برود، مورد خشم خداست تا به خانه برگردد، يا شوهرش را راضي کند. (ش ۱۰۲۰، ص ۳۵۹) در همين رابطه، محمد، زناني را که از خانه‌هاي خود، دامن کشان براي شکايت از شوهرهاشان بيرون مي‌روند، دشمن مي‌دارد. (ش ۹۶۰، ص ۳۴۸)

فتنه‌ی اساسی برای مردان مسلمان این است که زناشان زینت و آرایش کنند، عطر بزنند، و با لباس‌هایی فاخر، پا به معابر عمومی بگذارند! «فتنه‌ی سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه‌ی [ای] سخت‌تر بر شما بیم دارم که از طرف زنان می‌آید؛ هنگامی که انگوی طلا به دست و پارچه‌های فاخر به بر [می‌کنند] ...» (ش ۳۱۴، ص ۲۱۵)

«از هیچ فتنه‌ای که خطرناک‌تر از زن و شراب باشد، بر امت خویش بیم ندارم.» (ش ۲۶۱۱، ص ۶۹۴)

زنایی که آرایش می‌کنند، عطر می‌زنند و به معابر عمومی پای می‌گذارند، حکم زناکاران را دارند.

«اگر زنی خود را معطر کند و بر مرد می‌بگذرد که بوی او را دریابد، زناکار است.» (ش ۱۷۷، ص ۱۸۸) و (ش ۱۰۱۹، ص ۳۵۹) زنی هم که برای کسانی جز شوهرش، بوی خوش بکار می‌برد، مایه‌ی آتش و ننگ و عار است. (ش ۱۸۸، ص ۱۹۰)

«هر چشمی زناکار است و زن وقتی خوش‌بو شود و بر انجمنی بگذرد، زناکار است.» (ش ۲۱۵۷، ص ۶۱۱)

«بهترین عطر مردان آنست که بویش عیان و رنگش نهان باشد. و بهترین عطر زنان آن است که رنگش عیان و بویش پنهان باشد.» (ش ۱۵۱۶، ص ۴۷۱)

قیمت‌گذاری روی زنان هم براساس زیبایی بیشتر، خرج کمتر، مهریه‌ی سبک‌تر و اطاعت بیشتر انجام گرفته است: «بهترین زنان، آن است که رویش خوب‌تر و مهرش کمتر است.» (ش ۳۵۶، ص ۲۲۲)

«از همه‌ی زنان پر برکت‌تر آنست که خرجش کمتر باشد.» (ش ۳۵۷، صص ۲۲۲ تا ۲۲۳)

«نشان میمنت زن این است که خواستگاریش آسان و مهرش سبک باشد.» (ش ۹۲۹، ص ۳۴۲)

بهترین زنان هم زنی است که با تن و مال خود از شوهرش فرمان می‌برد و برخلاف رضایت او کاری نمی‌کند. (ش ۱۵۰۴، ص ۴۶۹)

باز هم «بهترین زنان شما زن عقیف راغب است که در ناموس خود عفت، و به شوهر خود رغبت داشته باشد.» (ش ۱۵۳۴، ص ۴۷۵) عفت هم زینت زنان است. (ش ۲۰۰۸، ص ۵۷۹)

در رابطه با لزوم تحمل مردان، در هر شرایطی آمده است که اگر مردی هیچ خیری به زنش نرساند، مهم نیست، ولی اگر زنی در رابطه با بی‌خیری شوهرش اعتراضی بکند، تمام اعمال نیکش بی‌اثر می‌شود. (ش ۲۲۶، ص ۱۹۸)

وقتی امرای مسلمانان، اشرار باشند و کار مسلمانان به دست زنان بیفتد، شکم زمین [قبر] برای مسلمانان بهتر از پشت زمین است. (ش ۲۳۲، صص ۱۹۸ تا ۱۹۹) به بیان امروزی‌تر: اگر کار مسلمانان به دست زنان بیفتد، بهتر است که مردان بمیرند و نسلشان از روی زمین کنده شود، تا به این ننگ تن دردهند و کارهایشان را به زنان بسپارند.

«پس از من برای مردان، فتنه‌ای زیان‌انگیزتر از زنان نخواهد بود.» (ش ۲۵۷۲، ص ۶۷۸)

«گروهی که زمام کار خویش [را] به زنی سپارند، هرگز رستگار نشوند.» (ش ۲۲۹۴، ص ۶۳۹)

«گروهی که زمامدارشان زن است، رستگاری نیینند.» (ش ۲۵۵۱، ص ۶۸۳)

هیچ زنی اجازه ندارد جز در خانه‌ی شوهر و اربابش، شبی را به روز آورد، چرا که فرشتگان در تمام مدتی که زن بیرون از خانه به سر می‌برد، به لعن و نفرین زن مشغولند:

«وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح [یا تا وقتی که زن به خانه برگردد] او را لعنت کنند.» (ش ۱۸۷، ص ۱۹۰)

نماز و روزه‌ی زنی که از شوهرش اطاعت نمی‌کند، از سر و گردنش بالاتر نمی‌رود. نمونه‌ای از این تهدیدات پیامبر به این صورت تنویر شده است: «دو کسند که نمازشان از سرهایشان بالاتر نمی‌رود، بنده‌ای [برده‌ای] که از آقایان [اربابان]

خود گریخته باشد، و زنی که شوهر خود را نافرمانی کرده باشد. (ش ۵۴، ص ۱۶۵)

«سه کسند که نمازشان از گوش‌هاشان بالاتر نمی‌رود: بنده‌ی فراری تا بازگردد، و زنی که شب بخوابد و شوهرش بر او خشمگین باشد و ...» (ش ۱۲۲۲، صص ۴۰۲ تا ۴۰۳)

«سه کسند که از آن‌ها سخن مگویی ... کنیز یا بنده‌ای که از آقای خود گریخته و در حال گریز مرده باشد. و زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و او در غیبت شوهرش آرایش کند. از آن‌ها سخن مگویی!» (ش ۱۲۲۴، ص ۴۰۳) و (ش ۱۲۳۳، ص ۴۰۵) یکی از مایه‌های خوشبختی مرد، زن پارسایی است که دیدارش مرد را مسرور می‌کند و چون مرد غیبت کند، او را بر حفظ عفت خویش امین بداند و ... یکی از مایه‌های بدبختی مردان این است که زنان زیبایی دراز داشته باشند و بر حفظ عفتشان امین نباشند، و زنی که مرد را به رنج دراندازند. (ش ۱۲۴۲، ص ۴۰۸)

سه نفر هم هستند که دعاهایشان مستجاب نمی‌شود: یکی از این سه تن، مردی است که زنی بد اخلاق دارد و طلاقش نمی‌دهد ... (ش ۱۲۵۳ ص ۴۱۳) سه چیز از نعمت‌های اساسی دنیا است: زن پارسا و ... (ش ۱۲۸۹ ص ۴۲۵)

محمد در نهایت معتقد است که: زنان، دام شیطانند. (ش ۱۷۹۲ ص ۵۳۴)

دشمن‌ترین دشمن مردان، همسران ایشانند: «خطرناک‌ترین دشمن تو همسر توست که با تو هم‌خوابه است و مملوک تو» (ش ۳۳۹، ص ۲۲۰)

بیشترین اهالی جهنم هم زنانند: «در جهنم نگریستم و دیدم که بیشتر مردمان آن زنانند.» (ش ۳۳۱، ص ۲۱۹)

«ان اقل ساکنی الجنه النساء. کمترین ساکنان بهشت زنانند.» (ش ۶۰۳)

ص ۲۷۴) همان تعداد اندکی از زنان هم که به بهشت می‌روند، زنی هستند که بر اساس فرامین اسلامی، شوهرانشان را کاملاً از خود خشنود می‌کنند، بعد جان می‌سپارند! (ش ۱۰۲۲، ص ۳۵۹)

«بدترین زنان شما آرایش‌کنان و متکبرانند و آنان منافقاند و از آن‌ها جز به اندازه‌ی کلاغی که خط سفید برگردن دارد، به بهشت نمی‌روند.» (ش ۱۵۳۵، ص ۴۷۵)

«اگر زن نبود، مرد به بهشت می‌رفت.» (ش ۲۳۵۸، ص ۶۵۳)

«اگر زنان نبودند، خدا چنان که شایسته‌ی پرستش اوست، پرستیده می‌شد.» (ش ۲۳۶۱، ص ۶۵۳)

«النساء حباله الشيطان، زنان، دام‌های شیطانند.» (ش ۳۱۵۳، ص ۷۸۹)

«وای بر زنان از دو چیز، طلا و جامه‌ی زیبا!» (ش ۳۱۹۰، ص ۷۹۶)

زنی که بدون دلیل موجهی طلاق می‌خواهند، بوی بهشت بر ایشان حرام است. (ش ۱۰۲۱، ص ۳۵۹) لازم به تأکید است که خشونت، کتک زدن، هوو آوردن، خرجی ندادن و ... دلایل موجهی برای طلاق نیستند!

«زنان باردار فرزند دار و شیرده، که با فرزندان خود مهربانند؛ اگر رفتاری که با شوهران خود می‌کردند [نبود] نمازگزارانشان به بهشت می‌رفتند.» (ش ۱۳۴۰، ص ۴۳۷)

مردان بر زنان حقوقی دارند و زنان در برابر مردان تکالیفی: «حق شوهر بر زن آن است که بدون اجازه‌ی او، جز روزی واجب نگیرد و اگر گرفت گناهکار است [و از او] نپذیرند. و بدون اجازه‌ی او [مرد] چیزی از مال او را به کسان ندهد. اگر داد ثوابش از شوهر و گناه [آن] از زن است. و از خانگی او [مرد] بی‌اجازه بیرون نرود و اگر رفت خداوند و فرشتگان غضب، او را لعنت کنند، تا توبه کند یا بازگردد؛ اگر چه شوهرش ستمگر باشد!» (ش ۱۳۸۸، صص ۴۴۵ تا ۴۴۶)

«حق شوهر بر زن آنست که از بستر او [مرد] دوری نگیرد و ... فرمانش را اطاعت کند و بی‌اجازه‌ی او بیرون نرود و کسی را که [مرد] دوست ندارد، به خانگی او [مرد] نیاورد.» (ش ۱۳۸۹، ص ۴۴۶)

«اگر زن، حق شوهر [را] بداند، هنگام ناهار و شام او ننشیند تا فراغ یابد.» (ش ۲۳۱۸، ص ۶۴۴) خانم‌های مسلمانی که با همسرانشان سر یک میز یا سر یک سفره می‌نشینند، یا با ایشان در رستورانی غذا می‌خورند، به این فرمان پیامبر توجه داشته باشند!

«خدا ممانده‌گر را لعنت کند؛ یعنی زنی که شوهرش به بسترش خواند و گوید: «کمی بعد» تا خوابش ببرد.» (ش ۲۲۳۷، ص ۶۲۸)

در رابطه با اجبار به زندگی با یک مرد، حتا اگر ستمگر باشد، چند بار تاکید شده است که خداوند زنانی را که چند بار شوهر می‌کنند، و به همان اولی - اگر چه خیری هم نداشته باشد - بسنده نمی‌کند، دوست نمی‌دارد. (ش ۷۱۴ ص ۲۹۹) و (ش ۱۱۴۶، ص ۳۸۳) زنانی که بدون حضور شاهد شوهر می‌کنند، زناکارند. (ش ۱۱۱۲، ص ۳۷۶) متأسفانه در این بحث، تکلیف مردانی که بی‌حضور شاهد زن می‌گیرند، مشخص نشده است!!

گاه نوعی تبعیض نژادی در کلمات محمد به چشم می‌خورد. مثلاً: «برای نطفه‌های خود جای مناسبی انتخاب کنید و از سیاهان بپرهیزید [چرا] که سیاهی رنگ زشتی است.» (ش ۱۱۳۳، ص ۳۸۱) «زن آزاد مایه‌ی اصلاح خانه است و زن بنده [کنیز] موجب فساد خانه است.» (ش ۱۴۰۴، ص ۴۴۹)

در رابطه با پتانسیل گمراه شدن مردان توسط زنان، نمونه‌ی تاریخی [!] جالبی در رابطه با یهودیان نقل شده است: «از زنان بپرهیزید، زیرا نخستین گمراهی یهودان در خصوص زنان بود.» (ش ۵۳۸، ص ۲۶۲)

نشانه‌های خوشبختی مردان هم چهار چیز است که مهم‌ترینش داشتن زن یا زنانی است که به ناموس و مال مردان خیانت نمی‌کنند. (ش ۲۵۹ ص ۲۰۴) دو ردیف بالاتر از این کلمه‌ی قصار، بر چهار نشانه‌ی خوشبختی تاکید شده است: خوشبخت‌ترین مردان، مردی است که زنی پارسا [زوجه‌ی صالحه] داشته باشد. (ش ۲۵۷، ص ۲۰۴) از زنان بد باید به خدا پناه برد و از زنان خوب هم باید پرهیز کرد. (ش ۲۷۹، ص ۲۰۹) زنان هم اغلب به صورت شیطان می‌آیند و به صورت شیطان می‌روند. (ش ۸۲۱، ص ۳۲۰) زنان از دنده‌ای خلق شده‌اند که به هیچ‌وجه راستی‌پذیر نیست. (ش ۸۲۳، ص ۳۲۱) هیچ مردی نمی‌تواند کجی زنان را که ناشی از خلقت ایشان است، راست کند. (ش ۸۲۵، ص ۳۲۱) >

فرمان بردن زنان از مردان هم، بهترین گنجینه برای مردان است:

«می‌خواهی تو را از بهترین گنجینه‌ی مرد خبر دهم؟ زنی پارسا که وقتی بدو نگرند مسرور شود، و همین‌که بدو فرمان دهد، اطاعت کند و هنگام غیبت [مرد] امانت او را [عفتش] محفوظ دارد.» (ش ۴۶۰، ص ۲۴۱)

بجز خوشبختی‌های بالا، مردان باید از سه بلا به خدا پناه ببرند که یکی از این بلاها همسر بد است که: «اگر پیش وی باشی، بد زبانی کند، و اگر پیش وی نباشی، به تو خیانت کند.» (ش ۱۱۶۳، ص ۳۸۷)

در مورد ثواب‌هایی که برای زنان در نظر گرفته شده، خشنودی مردان از ایشان و شیر دادن به کودکان و در خانه به عبادت مشغول شدن است.

ای زنان «آیا خشنود نیستید که وقتی یکی از شما از شوهر خود آبتن است و شوهرش از او خشنود است، ثواب کسی را دارد که روز روزه گیرد و شب برای عبادت خدای بپا خیزد و هنگامی که بار می‌گذارد، هر جرعه‌ای که از شیر او درآید و هر دفعه که پستان او مکیده شود، برای هر جرعه شیر و هر مکیده شدن پستان ثوابی دارد و اگر برای مراقبت طفل خود شبی بیدار ماند، پاداش او چنانست که هفتاد بنده را در راه خدا آزاد کرده باشد؟» (ش ۵۳۴ ص ۲۶۰)

از دیگر ثواب‌هایی که خدا برای زنان در نظر گرفته است، و آن را با رنج شرکت در جهاد برابر دانسته، صبر بر رنج هووداری است: «خداوند رنج هوو داری را نصیب زنان و جنگ را قسمت مردان قرار داد. هر زنی که از روی ایمان و در انتظار پاداش خدا، بر رنج هوو داری صبر کند، ثواب شهید را دارد.» (ش ۷۱۰، ص ۲۹۸) یکی دیگر از ثواب‌هایی که برای زنان مومن نوشته می‌شود، زنی است که شوهرش بمیرد و «وی گوید [که] من با وجود یتیمان خود شوهر نمی‌کنم.» (ش ۱۲۲۰، ص ۴۰۲)

زنان هم دو پرده دارند: قبر و زناشویی. (ش ۲۲۷۰، ص ۶۳۴)

جهاد زنان، شوهرداري خوب است. (ش ۱۴۰۳، ص ۴۴۹)

«بهترین مسجد زنان، کنج خانه‌ی آنهاست.» (ش ۱۵۳۲، ص ۴۷۴)

«نمازي که زن، در تاريخ‌ترین گوشه‌ی خانه‌ی خود کند، از همه‌ی نمازهاي او نزد خدا محبوب‌تر است.» (ش ۲۵۸۸، ص ۶۹۰)

«اینکه زن در اتاق خویش نماز کند برای او بهتر است تا در ایوان خویش نماز کند، و این‌که در ایوان خویش نماز کند، بهتر است تا در صحن خانه نماز کند، و این‌که در صحن خانه نماز کند، برای وی بهتر است تا در مسجد نماز کند!» (ش ۲۲۰۷، ص ۶۲۲)

«نماز زنان، تنها، بیست و پنج بار از نماز جماعت بهتر است.» (ش ۱۸۴۸، صص ۵۴۵ تا ۵۴۶) احتمالاً زنان اسلامی‌ای که در نمازهاي جمعه و جماعت شرکت می‌کنند، از این ثواب عظیم ۲۵ برابر اطلاعی ندارند؛ وگرنه در خانه‌هاشان می‌مانند و «تنها» نماز می‌گذارند!

«اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کنند، به زن دستور می‌دادم شوهرش را سجده کند.» (ش ۲۳۴۸، صص ۶۵۰ تا ۶۵۱)

«اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کند، به زنان دستور می‌دادم شوهران خویش را سجده کنند، از بس که خدا برای شوهران حق به گردن زنان نهاده است.» (ش ۲۳۴۹، ص ۶۵۱) (بدون شرح)

مشاغلی که محمد برای زنان در نظر گرفته است، کارهایی است که ایشان را هرچه بیشتر در خانه‌ها زندانی می‌کند: «بهترین سرگرمی زن، دستگاه نخ‌ریسی است.» (ش ۱۵۲۷، ص ۴۳۷) فرزندان را [پسران را] را شنا و تیراندازی بیاموزید و زنان را نخ رشتن!» (ش ۱۹۵۴، ص ۵۶۷) چرخ ریزی هم برای زن مومن در خانه‌اش سرگرمی خوبی است. (ش ۱۹۵۵، ص ۵۶۸)

«[ای زنان] هریک از شما با اشتغال در خانه‌ی خویش، اگر خدا بخواهد، ثواب مجاهدان [را] خواهد [خواهید] یافت.» (ش ۲۸۹۲، ص ۷۴۶)

در جمع‌بندی نهایی: «حکایت زن پارسا در میان زنان، چون کلاغ نشاندار است که يك پای آن سفید باشد.» (ش ۲۷۳۱، ص ۷۱۹) من متأسفانه از این جمله چیز زیادی دستگیرم نشد. احتمالاً حضرت به تك نمود بودن زن پارسا - حتا در میان زنان مسلمان - نظر داشته است!

در نهایت تمامی این تبعیض‌ها حضرت محمد باز هم معتقد است که: «من اگر کسی را برتری دادمی، زنان را برتری دادمی!» (ش ۱۷۲۸، ص ۵۲۰)

پانویس‌ها

۱ - نهج‌الفصاحه، مجموعه‌ی کلمات قصار حضرت رسول‌الله اکرم (ص) انتشارات جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۷۷، تهران، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده

۲ - برای این زندگی‌نامه کوتاه از شرح داخل جلد کتاب مروج‌الذهب و معادن الجواهر ابوالحسن علی بن حسین مسعودی استفاده شده است.

۳ - اعداد سمت راست داخل پرانتز، شماره‌ی جمله‌ی قصار و عدد سمت چپ، صفحه‌ی کتاب است

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/women/>

